

سیاحت غرب

مرحوم آية الله محمد حسن نجفی قوچانی (ره)

www.ketab.ir





سیاحت غرب

مرحوم آية الله محمدحسن نجفی قوچانی (ره)

☐ ناشر: بی‌زمان

☐ چاپ اول: ۱۳۹۲

☐ قطع: رقعی

☐ تعداد صفحات: ۱۲۸ صفحه

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۷۵۰۰ تومان

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۵-۸۴-۰

☐ تمام حقوق چاپ و نشر و دیگر صور باز نشر در هر محیطی، محفوظ و مخصوص انتشارات بی‌زمان است.

سرشناسه: نجفی قوچانی، محمدحسن، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۲.

عنوان و نام پدیدآور: سیاحت غرب/ محمدحسن نجفی قوچانی.

مشخصات نشر: تهران: نشر بی‌زمان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای متفاوت با عناوین مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع: نجفی قوچانی، محمدحسن، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۲. -- سرگذشتنامه

موضوع: معاد

موضوع: زندگی پس از مرگ (اسلام)

رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۱ س ۹ ۱۳۲۲/۲۲/۵۳ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۶۱۳۰۹

فهرست

۹	مقدمه
۱۰	لحظات پس از مرگ و وضعیت مرده و تشییع کنندگان
۱۲	شب اول قبر و سوالات نکیر و منکرو به فریاد رسیدن حضرت علی (علیه السلام)
۱۷	آشنایی و گفتگو با راهنمای عالم برزخ (هادی)
۲۱	ملائکه تفتیش کننده و فشار قبر و پاک شدن از گناهان
۲۳	شفا یافتن توسط هادی
۲۵	نفرستادن خیرات توسط بازماندگان و ناراحتی آیه الله نجفی
	دیدار با حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و حضرت علی اکبر (علیه السلام) و سلام
۲۷	رساندن حضرت زینب (سلام الله علیها)
۳۰	راحت بودن سه سال اول تکلیف بخاطر استحکام نداشتن قوه عقل
۳۲	دیدار و همسفر شدن با شیطان

اولین شیطنه شیطان	۳۴
تشنگی و خوردن هندوانه تلخ جهالت	۳۶
حمله کردن سگ و کتک خوردن بخاطر تجاوز	۳۸
استراحت مابین راه در شهر نعمتها	۳۹
تجسم حقیقی بعضی از رذایل و اعمال بد	۴۱
درختان پرمیوه و نهادهای جاری و قصرهای عالی در شهر محبت	۴۴
بازگشت شیطان و راههای باریک و پیرسنگلاخ	۴۷
فرستادن خیرات توسط بازماندگان و فایده آن برای ادامه سیر برزخی	۴۸
دیدار و هم صحبت شدن با حوریه بهشتی بخاطر ازدواج مؤقت با زنی در دنیا	۵۱
عذابهای زناکاران و لواط کنندگان و شکم پرستان	۵۴
وادی وحشتناک تمسخر کنندگان و عیب کنندگان	۵۹
آتش گرفتن باغها و بوستانهای بهشتی بخاطر دروغ گفتن و تهمت زدن صاحبان آن	۶۲
قصرها، باغها، چشمه ها و دختران و پسران بهشتی	۶۳
موسیقی ها و صداهای خوش بهشتی و صوت دل انگیز قرآن	۶۶
غضب حضرت ابا الفضل (علیه السلام) بر یکی از علماء شهر قرآن	۶۸
دیدار با حضرت ابا الفضل (علیه السلام) و حضرت علی اصغر (علیه السلام) و گرفتن تذکره عبور و کسب معارف از ایشان	۶۹
رساندن زاد و توشه، توسط بازماندگان	۷۶
سرزمین وحشتناک حریصان و مال یتیم خوران و رشوه خواران	۷۹

- گرفتار شدن در وادی هولناک حسد و به فریاد رسیدن حضرت علی
(علیه السلام) ۸۰
- هدیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ورود به خیمه های حوریان بهشتی و کسب
معارف الهی از یک حوریه ۸۴
- دیدار و صحبت آیه الله نجفی با یکی از دخترانش در عالم برزخ ۹۰
- دل عاشق و غمگین و محزون شدن در بهشت ۹۲
- درد دل کردن با هادی ۹۵
- گفتگو با حبیب بن مظاهر در مورد ظهور امام زمان (علیه السلام) ۹۹
- آگاه شدن بهشتیان از غربت و مظلومیت امام زمان (علیه السلام) و بوجود آمدن
جوش و خروش عجیبی ۱۰۲
- گفتگوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با خداوند در مورد ظهور ۱۰۵
- سخنرانی برای بهشتیان در مورد ظهور امام زمان (علیه السلام) ۱۰۷
- حرکت بهشتیان بسوی برهوت، و بحث و گفتگوی آیه الله نجفی با رئیس ملائکه ۱۱۲
- عذاب سخت و وحشتناک دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و مضاعف شدن
عذاب آنها بخاطر لعن شیعیان بر آنان ۱۲۰
- طلب ظهور امام زمان (علیه السلام) از خداوند متعال توسط تمام عالم و عالمیان ۱۲۴
- رسیدن ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) ۱۲۷

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين مالک يوم الدنيا والدين

درود بی پایان بر پیغمبر اسلام و اولاد او باد که پزشکان تن و روان
مردمانند و از گفته اوست: (دوستی دنیا یک بیماری بزرگی است که
همه بیماریهای آدم از شاخ و برگ اوست و یادآوری از مرگ، داروی
آن بیمار است).

و بعد، این بنده خدا می گوید: که پیش از اینکه سال یک هزار
و سیصد و هفت شمسی بود، گزارشات خود را از آغاز آموزگاری تا به
انجام نوشتم و نام آن نامه را «سیاحت شرق» نهادم و در این هنگام که
سال یک هزار و سیصد و دوازده شمسی بود، گزارشات برزخی خود
را نوشتم و نام این نامه را «سیاحت غرب» نهادم که از من یادگاری

و ملت اسلام را پند باشد. پُرروشن است که بدن عنصری و مادی جهان طبیعت، حجابی است ضخیم و پُرده‌ای است سخت بر روی دیده انسان از جهان دیگر و به مردن و بیرون شدن از این جهان مادی و برطرف شدن این پُرده، می‌بیند و می‌رسد به چیزهایی که پیش از این نمی‌دید و نمی‌رسید.

«لَمَّا كُنْتُ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ».

لحظات پس از مرگ و وضعیت مرده و تشییع کنندگان

... و من مُردم، پس دیدم ایستاده‌ام و بیماری بدنمی که داشتم ندارم و تندرستم و خویشان من در اطراف جنازه، برای من گریه می‌کنند و من از گریه آنها اندوه‌گینم و به آنها می‌گویم: «من نمرده‌ام، بلکه بیماریم رفع شده است».

کسی گوش به حرف من نمی‌کند. گویا مرا نمی‌بینند و صدای مرا نمی‌شنوند، و دانستم که آنها از من دورند و من نظر به آشنایی و دوستی به آن جنازه دارم، خصوص بشره پهلوی چپ او را که برهنه بود و چشمهای خود را به آنجا دوخته بودم. و جنازه را بعد از غسل و دیگر کارها بطرف قبرستان بردند. من هم جزو مشیعین رفتم. در میان آنها بعضی از جانورهای وحشی و درندگان از هرقبیل می‌دیدم که از آنها وحشت داشتم ولی دیگران وحشت و آنها نیز اذیتی نداشتند؛ گویا

۱. هنگام جان دادن و سکر مرگ، به انسان خطاب می‌شود: تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت، کاملاً تیزبین است. (سوره ق آیه ۲۲)